

بگو ز امت ذوق تریسانیدن و عذاب من پس یاد کرد و حال سکران را که گفت جل جلاله
 وَقَدْ كَذَّبَ وَبَدَسَتْ كُدْرَانُ كَوْمٍ دَاشْتَنَدَ الَّذِيْنَ اَنْ كَا فَرَانِ كَرْدِيْنَ قِيَامِ
 پیش ازین که فزان بودند مغایران خود را چنانکه انان که فزان تریا یا محمد کتیب
 گان پس بگو بود که کس عذاب من ایشان را بسبب انکار کردن ایشان
 پنجاه مرتبه از جلاله و قبول نکردن ایشان حکمای مرام و قیل گیتی انکار من افعال ایشان را
 و کرد ایند من من احوال ایشان را بعضی بر زمین فرو بردم و بعضی را بلا بی از آسمان آورد
 شکما و باد های با سسنگ بعضی را حمد و نکر دانیدم و بعضی را خنجر کرد دانیدم
 پس شما ای کافران مکر زود باشد که عذاب مراد در دنیا و آخرت بینید باز دلیل
 قدرت خود را بیان کرد که در میان زمین و آسمانست و گنت جل جلاله اَوْلَمْ يَرَوْنَ
 اَنْ مَكْرُنْ مَعْنِيْ بَلْ كَرِهِيَ الْاَلْبَابُ بِسْمِ الرَّحْمٰنِ فَوَقَّحْتُمْ كَمْ مَيْرَنْدُ مَرَبَالَيْ اِيْشَانَ
 صَاقَاتٍ بِاسْطَلَاتِ اَنْجِيْهِيْنَ مَعْنِيْ كَشَائِدَهُ پَر هَا شَا نَ اَوْ صَف كَسْنَدُهُ مَرَبَالَيْ شَا
 در موا و يقضين اي قاصبات و قرار گیرندگان با اعدایشان را در بریدن
 عطف على العمل الدال عليه الصافات تقدیره بضعف انجمنه في الموا و
 بعد البسط یعنی که با او با ز کرده می برند که با او با جنبانند و که با او با انجمنه
 می برند و پر با بر می زند در بریدن ها فيصلت کس با ز نیدارد او

مغایران و نگاه نمیدارد نشان در مواد حال که پرکش ده می بودن و در حال که جمع کردن بود
 در موا الا الرحمن مکر ضای بنده انکه پد رستی کروی دیگر استی بصیرین
 بیست است پد هر جا و اناست بصلاح هر چیزی چون حق تعالی مغایران در موا می دارد تقدیرت
 خود اگر علت بر بودی با یستی که من غایک چنین بودی و شبر که ضعیف بودی چون پد
 بر خداوند قادر است بر تو که خواه از عذاب و رحمت و بر زنده کردن بعد از مردن
 اگر عذاب کند گیت که شما را یاری کند چنانکه فرمود جل جلاله اَمْ نَكُنْ يٰ كَيْت
 هَذَ الَّذِيْ اَكْمُوْجِدْ كُمْ اَوْ لَشَكَرْتَ مَرْثَمًا اَيْتَمْرَ كُمْ يَارِي
 گد تا من دون الرحمن مکر از ضای تعالی اِنَّ اِلَهَكَ اَرْثَمُونَ الْاِخْفِ
 عَرُوفِ نَيْتَدَ كَا فَرَانِ مَكْرُوْرِيْنَ نَفْسِ شَيْطَانِ و دینار ایشان را باز فرمود جل جلاله
 اَمْ نَكُنْ يٰ كَيْت اَكْمُوْجِدْ كُمْ كَرُوْرِيْ دَهْشَمَارَا اِنْ
 اَمْ سَكْ رَزَقْدَ مَكْرَبَزْ دَا رَدْ ضَايِ تَعَالَى رُوْرِيْ فُوْرَا رَا نَسْمَاعِيْ اَنْ شَا كَدَا
 که لشکر باشد شما را و یاری دهد شما را اگر بدانید خدا را تعالی باید که است از شما انکار و
 و بد شما را اگر حق تعالی روزی را از شما باز دارد چون عاجز شدند از جواب و حق را که در حق
 نهادند و حق تعالی فرمود و اَلْحَقُّ اَنْ عَمُوْ وَ تَقُوْ اَبْلَ اَيْتَمِيْدُ نَدْرُ كَرُوْرِيْ
 در میدان حق و از او قرار کردن با او و در پیش حق را از اهل حق قبول کن و عباد او

بنازم